

خود پرستی

اگر وارد کاستانی شدید که در او همه گونه کلهای رنگارنگ دیدید ولی در گوشه و کنار او خاری چند سر درآورده آیا سزاوار است که برای این چند خار از آن کلهای زیبا چشم پوشید - یا وارد شهری شدید که دارای همه نوع عمارات زیباست و در گوشه او هم ویرانه چند دیدید آیا سزاوار است که آن شهر را ویرانه بخوانید - البته خواهید گفت نه - زیرا هر کالی با خاری و هرمعموره با ویرانه و هر یکی باید همراه است نمیتوان بکنایه بد از خوب هم چشم پوشید ولی انسان در هنگام گفتار چیز را میگوید و در هنگام کار جز آنرا میکند که میگوید - زیرا میبینم که چه نفاق ها و دشمنی های ادنی که در میان دو قوم است برای يك بدرفتاری که صد سال گذشته یکی از اینها با دیگری کرده و چه بدبینی ها که نسبت بقومی دارند برای يك کار زشت که از یکی از اینها سر زده - هرگاه از تاریخ هم شاهد بخواهیم می بینیم که بیشتر این جنکها و خونریی ها برای چند نفر کناهکار بوده و در نتیجه خون هزارها مردم بیگناه را ریخته اند بزرگترین خونریزهای دنیا یعنی خونریزی چنگیز نبود مگر برای چند نفر ستمکار بکه سوداگران او را کشتند

اینها که تا کنون گفتیم همه تا هنگامیست که اینها بستگی بادبکران دارند ولی هرگاه باخود بیننده بستگی داشته باشد مطالب بر میگردد یعنی چنانچه ویرانه داشته باشند بر از خار همه را کلسنان می بینند مثلا شما که تا امروز پنجاه سال زنده کی کرده اید شاید پنج نفر را ندیده اید که از خود عیبی گرفته باشد ولی در هر روز بیش از پنجاه نفر می بیند که بدی دیگران را میگوید این نیست مگر در نتیجه همان خود پرستی که همواره بدهای خود را نیک میبیند و نیکی های دیگران را بد پس باید دانست که همیشه در کلسنان خار هم پیدا میشود اگر چه مال شما باشد و درخارستان کل هم بافت میشود اگر چه مال دیگران باشد مرد دانا آنکسی است که هر جا کل را کل به بیند و خار را خار